



با موافقت مقام معظم رهبری صورت گرفت

عفو و تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: به مناسبت عید سعید فطر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عفو یا تخفیف مجازات ۶۹۱ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضائی نیروهای مسلح موافقت کردند...

• صفحه ۲

دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ • ۶ شوال ۱۴۴۰ • ۱۰ ژوئن ۲۰۱۹

شرق بررسی می‌کند

مطهری در آزمون چپ و راست

مروری بر ۲۵ه نقش آفرینی در عرصه سیاست

صفحه ۶

تیتیرها

کرباسچی به هم حزبی قدیمی خود شادمانه لگد می‌زند

واکنش تند میردامادی به اظهارات کرباسچی

صفحه ۲

چرا مسئولان تن به شفافیت نمی‌دهند؟

صفحه ۳

بازدید جهانگیری از میراث‌ورشکسته اصولگرایان

صفحه ۱۳

داستان‌های امروز زود فراموش می‌شوند

گفت‌وگو با حسن میرعباسدینی صفحه ۸

حرف اول

چالش در بازار کار

زهرا کریمی



در تحلیل‌های اقتصادی، عملکرد بازار کار، کالاها و خدمات، بازار کار، بازار ارز، بازار پول و بازار دارایی‌های مختلف مانند طلا، مسکن و... به صورت جداگانه بررسی می‌شود؛ ولی در واقع بازارها در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند و عملکرد هریک از آنها تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرد. بنابراین وضعیت بازار کار انعکاسی از عملکرد دیگر بازارها و به عبارتی آینه تمام‌نمای وضعیت اقتصادی است. عامل تعیین‌کننده شرایط بازار کار، تقاضای بنگاه‌ها برای نیروی کار است؛ اینکه بنگاه‌ها در حال توسعه هستند و کارکنان بیشتری استخدام می‌کنند یا به دلیل عدم امکان فروش محصولات یا دشواری تهیه مواد اولیه و قطعات، تصمیم به کاهش نیروی کار می‌گیرند. تحولات تولید در بنگاه‌ها به اشکال مختلف بر بازار کار تأثیر می‌گذارد. هرچند یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد ضعیف بازار کار، نرخ بالای بی‌کاری است، اما این شاخص به‌تنهایی نمی‌تواند شرایط بازار کار را توضیح دهد. شاخص مهم دیگر، دستمزدهای واقعی است که تصویر دقیق‌تری از بازار کار ارائه می‌دهند. زمانی که فرصت‌های شغلی کاهش پیدا می‌کند، جویندگان کار در رقابت با یکدیگر برای یافتن شغل، دستمزدهای پایین را می‌پذیرند. در چنین شرایطی، درآمد واقعی خانوارها کم می‌شود و گاه برای جبران آن، همسر و فرزندان در خانوارها کم‌درآمد برای تأمین هزینه‌های خانواده، به فکر کارکردن می‌افتند و در بسیاری از مواقع زنان و جوانان تازه‌وارد به بازار کار، حاضرند در مشاغل با مزد بسیار کم کار کنند. نرخ نسبتاً بالای بی‌کاری به همراه کاهش دستمزدهای واقعی در سال‌های گذشته یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران بوده که سبب افزایش فقر و نابرابری و رشد ناراضی در میان اقشار کم‌درآمد شده است. این دو شاخص به‌وضوح نشان‌دهنده عدم پویایی اقتصاد ایران هستند. در شرایط تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران، با کاهش تولید و افزایش احتمال بسته‌شدن برخی واحدهای تولیدی، وضعیت بازار کار به نحو چشمگیری وخیم‌تر شده است. صدها هزار جوان تحصیل‌کرده که برای کار به شرکت‌هایی اینترنتی مانند اسنپ، تپسی و... روی آورده‌اند، از نشانه‌های این وضعیت نامطلوب است. ولی تنها نشانه نیست. به‌تازگی یکی از آشنایان تعریف می‌کرد فرزندان از طریق یک آژانس برای اداره بهداری شهرستانی نزدیک تهران مشغول کار شده است.

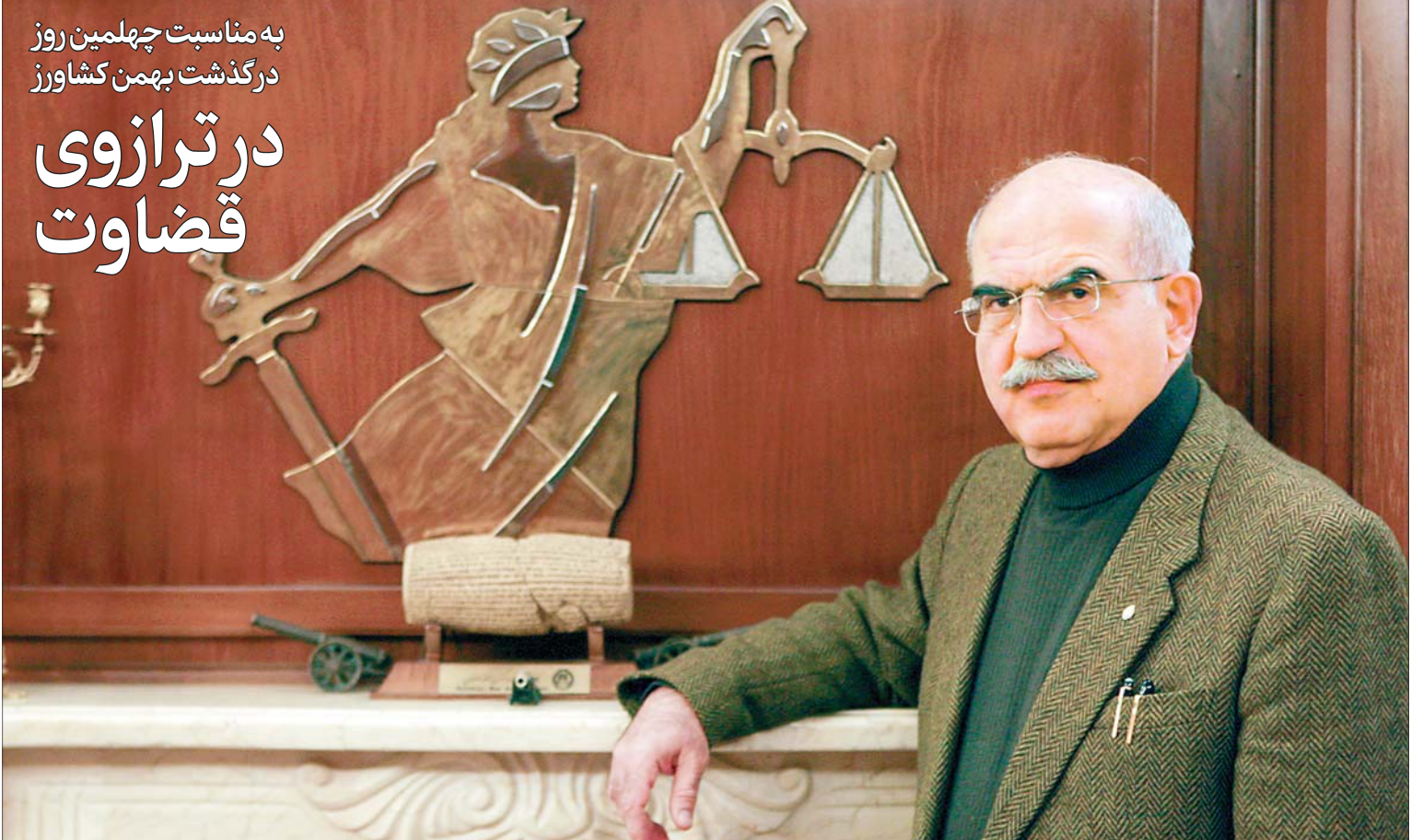
ادامه در صفحه ۲



بانک مرکزی جدیدترین فهرست دریافت‌کنندگان ارز دولتی و نیمایی را منتشر کرد

اسامی ۷۲ شرکت گیرنده وام ارزی

صفحه ۴



صفحه ۲

ظریف در مجلس:

آلمان به دنبال ادامه حیات برجام است

گروه سیاست: محمدجواد ظریف درباره سفر امروز هم‌تای آلمانی‌اش به تهران گفت: «وزیر خارجه آلمان برای پیگیری ادامه حیات برجام و نقش سه کشور اروپایی در این توافق به تهران سفر می‌کند». هاینکو ماس در حالی امروز به تهران سفر می‌کند...

• صفحه ۱۵



سال شانزدهم • شماره ۳۴۴۶ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

فرصت‌های مغتنم سفر «آبه»

علیرضا علوی‌تبار



نخست‌وزیر ژاپن چند روز دیگر برای گفت‌وگو و رایزنی به ایران می‌آید. به نظر می‌رسد در آستانه سفر او توجه به چند نکته ما را در فهم بهتر این سفر و موضوع‌گیری درست درباره آن یاری می‌کند. در حد درک و توان خودم به این نکات اشاره می‌کنم. تصحیح و تکمیل آنها برعهده افرادی است که درک عمیق‌تر و توان نظری بیشتری در این زمینه دارند. یکم. ژاپن با اتحادیه اروپا، روسیه و چین تفاوتی آشکار دارد. اتحادیه اروپا، روسیه و چین بازگیران مستقلى هستند که کم‌وبیش تحت تأثیر ترغیب‌ها و فشارهای آمریکا قرار می‌گیرند؛ اما ژاپن بازیگر مستقلى در عرصه بین‌المللی نیست. منافع ملی ژاپنی‌ها، از نظر خودشان، وقتی تأمین می‌شود که آن را ذیل سیاست‌های خارجی آمریکا تعریف کنند و با آن همسو باشند. ازاین‌رو گفت‌وگو با ژاپن به معنای اطلاع‌یافتن از خواسته‌ها و توقعات آمریکاست و به‌همین دلیل برای طراحی خط‌مشی‌های آینده کشورمان از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. دوم: در مسائل اجتماعی و سیاسی، چه داخلی و چه خارجی، داشتن آرمان‌های موجه و قابل دفاع تضمین‌کننده موفقیت نیست. در مجموعه وقایع پیش‌آمده، پس از خروج آمریکا از برجام، ایران در موقعیت‌های برتر اخلاقی و حقوقی قرار دارد؛ اما نباید گمان کرد که تکیه بر همین موارد موجه و قابل دفاع، در شرایطی که روابط جهانی بیشتر به جنگ و قواعد حاکم بر آن شبیه است، تضمین‌کننده تأمین منافع و امنیت ملی ما باشد. توجه به برخی از وقایع گذشته می‌تواند این واقعیت را نشان دهد. پایان واقعه تصرف سفارت آمریکا، پایان جنگ هشت‌ساله و تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی پیش از برجام، درس‌های مهمی برای امروز ما دارند. در همه این مقاطع ما شعارها و خواسته‌هایی را مطرح می‌کردیم که ظاهراً در چارچوب ایدئولوژی و نگاه ما به روابط جهانی قابل دفاع و موجه بودند؛ اما تناسبی با امکانات و ظرفیت‌های ملی ما نداشتند. خوب است واقع‌بینانه و منصفانه از خود پرسیم: نتیجه چه بود؟ آیا احترام و منزلت جهانی ما افزایش یافت؟ در صحنه زندگی واقعی باید «آرمان‌گرای واقع‌بین» بود. نه تسلیم واقعیت‌های تلخ شویم و نه در خیال و رؤیا از روی همه واقعیت‌ها بپریم. سوم: اگر هدف «توسعه صنعت هسته‌ای» را دنبال می‌کنیم، برجام چارچوب مناسبی برای دستیابی به این هدف است و توسعه عقلانی صنعت هسته‌ای را در ایران ممکن می‌کند. هیچ اقدام معقولى از نظر فنى و اقتصادى وجود ندارد که برای توسعه صنعت هسته‌ای لازم باشد و در چارچوب برجام نتوان آن را انجام داد. خروج از برجام تنها می‌تواند ما را در طمان اتهام تلاش برای ساختن «بمب هسته‌ای» قرار دهد. اتهامی که تنها کسانی را می‌ترساند که لازم نیست از ما بترسند! این اتهام می‌تواند به نوعی مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه بینجامد که به‌هیچ‌وجه به نفع این منطقه فلک‌زده نیست. طرح خروج از برجام راه مناسبی برای تأمین منافع بلندمدت ملی ما نیست. این قاعده راهنمایی است که در مذاکره‌ها و رایزنی‌های خود باید به آن توجه داشته باشیم. چهارم: اگر قرار باشد میان «مذاکره مستقیم» و «مذاکره از طریق میانجی‌ها» یکی را انتخاب کنیم، به طور قطع باید مذاکره مستقیم را انتخاب کنیم؛ تجربه ۴۰ سال گذشته نشان می‌دهد که هرگاه مذاکره مستقیم را رد کرده‌ایم، برای تأمین امنیت و منافع ملی خود به دامن میانجی‌گری‌های غیرانربخش افتاده‌ایم. البته مذاکره مستقیم از موضع برابر، بدون پیش‌شرط، بدون بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای ایجاد فشار (مانند تحریم و تهدید) و در چارچوب قواعد حقوقی مقبول امروزی باید دنبال شود. مذاکره مستقیمی که تحت نظارت نهادهای قانونی (مانند مجلس شورای اسلامی) و از سوی دستگاه مسئول دیپلماسی کشور (وزارت امور خارجه) صورت گیرد، با مسئولیت‌پذیری و هدایت توسط عقل جمعی انجام خواهد شد و قطعاً به میانجی‌گری ترجیح دارد؛ اما در شرایطی که امکان چنین مذاکره‌ای فراهم نیست، از همه فرصت‌های میانجی‌گری نیز باید بهره گرفت. پنجم: گفت‌وگو و رایزنی هنگامی به تأمین منافع ملی کشور می‌انجامد که از «موضع قدرت» صورت گیرد. تا اینجا اختلافی نیست. اختلاف بر سر آن است که «موضع قدرت» را چگونه تعریف می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

دردسر آدرس غلط فسادستیزی

که اولی حقوق و مزایایی متعارف و هم‌تراز با شهروندان درجه دو دریافت می‌کنند و دومی به روایت فیش حقوقی به‌اصطلاح نجومی‌بگیر است. اما نکته‌ای که در فیش‌های حقوقی منعکس نشده، این است که نفر اول رانت‌های میلیاردی مثلاً به شکل املاک نجومی یا مجوزهای آنچنانی دریافت کرده است که به‌مراتب خسارت بیشتری نسبت‌به فیش حقوقی «مرغوب» نفر دوم به جامعه وارد کرده است. اما پرورنده حقوق‌های نجومی به‌عنوان یک آدرس غلط خواسته یا ناخواسته سعی می‌کرد توجه افکار عمومی را فقط متوجه اقلامی کند که در فیش‌های حقوقی منعکس می‌شوند تا حاشیه امنی هم برای دریافت‌کنندگان احتمالی حقوق‌های نجومی خارج از بدنه دولت و هم برای صاحبان حقوق‌های متعارف و بهره‌مند از رانت‌های نجومی ایجاد کند. ۲- کمبین فرزندت کجاست: راه‌اندازی کمبین فرزندت کجاست و مطرح‌شدن آن با همت برخی رسانه‌ها حرکتی در مسیر شفاف‌سازی هرچه بیشتر بود تا معلوم شود فرزندان کدام‌یک از افراد متنفذ و صاحب‌منصب با استفاده از نام و غنوان پدر به جایی رسیده‌اند. باین‌حال، این حرکت هم برخلاف نظر و برنامه بااین‌ان، به‌گونه‌ای منتهی به دادن آدرس غلط شد. سؤال «فرزندت کجاست؟» دراصل سؤال ناقصی بود و پاسخ‌گویی به آن هرچند بر میزان شفافیت می‌افزود، اما کفایت نمی‌کرد. زیرا لزوماً فرزندان همه افراد متنفذ و جویای رانت به استخدام سازمان‌های دولتی و عمومی درنیاخته‌اند؛ بلکه بسیاری از آنها با استفاده از نفوذ پدرجان به تأسیس شرکت و راه‌اندازی کسب‌وکار موفق از طریق دریافت مجوزهای آنچنانی و وام‌های میلیاردی مشغول شده‌اند. از سوی دیگر ممکن است برخی از این افراد هم صرفاً با اتکا به استعداد و توان خود راه ترقی و رسیدن به سمت‌های بالا را طی کرده باشند. این سؤال فقط افرادی را نشانه گرفته بود که فرزندانشان در فلان تشکیلات دولتی یا عمومی صاحب پست و مقام شده و شاید به اعتبار عنوان و لایه پدر بر مسند ریاست تکیه زده‌اند. گروه دوم در پاسخ به این سؤال به‌راحتی شانه‌هایشان را بالا انداخته و با طلبکاری تمام اعلام می‌کردند: گوی فرزندانشان اصلاً کار دولتی نداشته و به فعالیت آزاد اشتغال دارند! بدین‌ترتیب کسی هم از آنان نمی‌پرسید که این جوان رعنا سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار آزاد را از محل کدام ارثیه پدری تأمین کرده است؟

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

شهریاران در شاهنامه

همان شاه در گرد او با گروه یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد چو بشناخت آهنگری پیشه کرد از آهنگری اره و تیسه کرد جمشید، فرزند هوشنگ و جانشین پدر نقطه عطفی در تاریخ شهریارِی ایران است. پادشاهی که به جهت تکبر و غرور، قرّه ایزدی از دست می‌دهد و سرانجام مردم بر او شوریده، او را از اورنگ شهریارِی فروکشیده، به خشونت از پای درمی‌آورند و نایخردانه به هیولایی به نام ضحاک توسل می‌جویند. ضحاک، مردی از دشت سواران نیزه‌گذار، از قومی غیرایرانی است و جوانان ایرانی را به نیستی می‌کشاند و بسیاری از ایشان را به کوهستان‌ها فراری می‌دهد. تا سرانجام فریدون به یاری کاوه آهنگر ریشه ظلم بیگانه را برمی‌کند و آیینی انسانی را بنیاد می‌نهد و تا آن‌جا که شاهنامه گواهی می‌دهد هیچ‌گاه مردم ایران دیگرکار بر شهریار خود نخروشدند مگر در روزگار قباد، پدر انوشیروان که آن نیز داستانی افتخارآفرین و حرمت‌را برای قوم ایرانی دارد که شورش بر ضد قباد، شورش بر شخص شاه نبود؛ شورش بر ناسپاسی شاه بود که خود قصه‌ای دیگر دارد و در مقالی دیگر خواهد آمد. نقش فریدون بعد از ضحاک، نقش سامان‌دادن جهانی است که بر اثر سرشت اهریمنی ضحاک آشفته شده است و فریدون جهان آن روزگار را بین سه فرزند خویش تقسیم می‌کند و افسوس که حماقت و نابخردی دو شهریار جوان دیگر، یعنی سلم و تور با کشتن ایرج، برادر کوچک‌ترشان دیگربار جهان را به گونه‌ای دیگر به آشوب می‌شد. اما روزگار کاووس روزگار دیگری است. پادشاهی غیرقابل اعتماد، هوساز و بی‌خرد که زمانی هوای پرواز در آسمان‌ها به سرش می‌زند و زمانی دیگر به دختری از هاماوران دل می‌بندد، در مازندران هودج پروازی‌اش سقوط می‌کند و بگشت از برش چرخ، سالی چهل پر از هوش و مغز و پر از رای دل وز آن پس جهان یکسر آباد کرد همه روی گیتی پر از داد کرد و هوشنگ پادشاهی است که به تصادف آتش را کشف می‌کند و در پی آن آیین‌هایی زیبا قرار می‌دهد و به مناسبت کشف آتش جشن سده را بنیاد می‌نهد. شب آمد برافروخت آتش چو کوه

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

شهریاران در شاهنامه

همان شاه در گرد او با گروه یکی جشن کرد آن شب و باده خورد سده نام آن جشن فرخنده کرد چو بشناخت آهنگری پیشه کرد از آهنگری اره و تیسه کرد جمشید، فرزند هوشنگ و جانشین پدر نقطه عطفی در تاریخ شهریارِی ایران است. پادشاهی که به جهت تکبر و غرور، قرّه ایزدی از دست می‌دهد و سرانجام مردم بر او شوریده، او را از اورنگ شهریارِی فروکشیده، به خشونت از پای درمی‌آورند و نایخردانه به هیولایی به نام ضحاک توسل می‌جویند. ضحاک، مردی از دشت سواران نیزه‌گذار، از قومی غیرایرانی است و جوانان ایرانی را به نیستی می‌کشاند و بسیاری از ایشان را به کوهستان‌ها فراری می‌دهد. تا سرانجام فریدون به یاری کاوه آهنگر ریشه ظلم بیگانه را برمی‌کند و آیینی انسانی را بنیاد می‌نهد و تا آن‌جا که شاهنامه گواهی می‌دهد هیچ‌گاه مردم ایران دیگرکار بر شهریار خود نخروشدند مگر در روزگار قباد، پدر انوشیروان که آن نیز داستانی افتخارآفرین و حرمت‌را برای قوم ایرانی دارد که شورش بر ضد قباد، شورش بر شخص شاه نبود؛ شورش بر ناسپاسی شاه بود که خود قصه‌ای دیگر دارد و در مقالی دیگر خواهد آمد. نقش فریدون بعد از ضحاک، نقش سامان‌دادن جهانی است که بر اثر سرشت اهریمنی ضحاک آشفته شده است و فریدون جهان آن روزگار را بین سه فرزند خویش تقسیم می‌کند و افسوس که حماقت و نابخردی دو شهریار جوان دیگر، یعنی سلم و تور با کشتن ایرج، برادر کوچک‌ترشان دیگربار جهان را به گونه‌ای دیگر به آشوب می‌شد. اما روزگار کاووس روزگار دیگری است. پادشاهی غیرقابل اعتماد، هوساز و بی‌خرد که زمانی هوای پرواز در آسمان‌ها به سرش می‌زند و زمانی دیگر به دختری از هاماوران دل می‌بندد، در مازندران هودج پروازی‌اش سقوط می‌کند و بگشت از برش چرخ، سالی چهل پر از هوش و مغز و پر از رای دل وز آن پس جهان یکسر آباد کرد همه روی گیتی پر از داد کرد و هوشنگ پادشاهی است که به تصادف آتش را کشف می‌کند و در پی آن آیین‌هایی زیبا قرار می‌دهد و به مناسبت کشف آتش جشن سده را بنیاد می‌نهد. شب آمد برافروخت آتش چو کوه

ادامه در صفحه ۴



ناصر ذاکری کارشناس اقتصادی

در چند سال گذشته قدم‌های مثبتی در مسیر مبارزه با فساد در ایران برداشته شده است؛ تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، حضور مؤثرتر و پررنگ‌تر رسانه‌ها در میدان فسادستیزی، متشکل‌شدن اعضای پارلمان در قالب فرانکسیون‌های فعال در میدان مبارزه با فساد، همه‌وهمه موجب شده است تا از یک سو توجه افکار عمومی به این موضوع جلب شده و رسیدن به جامعه‌ای عاری از فساد به یک مطالبه عمومی مبدل شود و از سوی دیگر واژگان سلامت، فساد و جامعه سالم در سخنان مقامات مسئول بیشتر از گذشته شنیده شوند. باین‌حال و با عنایت به جایگاه پایین ایران در رتبه‌بندی جهانی مبارزه با فساد (رتبه ۱۳۸ بین ۱۸۰ کشور)، باید پذیرفت هنوز ابتدای راه است و باید برای جبران تاخیر تلاش کرد و گام‌های بزرگ‌تری برداشت. «آدرس غلط» یکی از آقاتی است که سلامت و صلابت امر مبارزه با فساد را در کشورمان تهدید می‌کند؛ زیرا با معطوف‌کردن توجه رسانه‌ها و افکار عمومی و حتی نهادهای ناظر ممکن است حاشیه‌ای امن برای متخلفان به وجود بیاورد؛ بنابراین کشف و شناسایی «آدرس غلط» یکی از مهم‌ترین وظایف اقل فن در این میدان است تا از هدررفتن نیروها و تحریف جریان مبارزه با فساد، آن هم در مراحل اولیه، جلوگیری شود. در سه سال گذشته موارد متعددی از «آدرس غلط» در جریان مبارزه با فساد مطرح شد که مطالعه شیوه جاف‌تادن هرکدام و علت مقبولیت‌یافتن‌شان، هرچند به‌صورت نسبی، بسیار مفید و درواقع ضروری است. در زیر به سه مورد از آنها می‌پردازم:

۱- پرورنده حقوق‌های نجومی: در ماجرای حقوق‌های نجومی و جنجالی که برای آن شکل گرفت، هرچند بر یک مورد آشکار و مسلم خطا و مفسده مالی انگشت گذاشته شد و بخشی از حقوق غارت‌شده مردم به خزانه بازگشت، اما در اصل آدرسی غلط به افکار عمومی ارائه شد؛ گوی تمام فساد و رانتی که نصیب برخی افراد می‌شود، در قالب فیش حقوقی انعکاس می‌یابد و انتشار تصویر فیش حقوقی به‌عنوان یک مطالبه ملی می‌تواند این مفسده را درمان کند.

بهبانه‌ای دیگر پیوسته سر باز می‌کند.